

تأثیر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات؛ یک تجزیه و تحلیل تابلویی (پانل)

رضا محسنی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۴/۷

تاریخ ارسال: ۱۳۸۳/۱۰/۵

چکیده

مقاله حاضر تأثیر آزادسازی تجاری بر واردات برخی از کشورهای در حال توسعه منتخب (از جمله ایران) را با استفاده از روش پویای داده‌های پانل بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که کاهش تعرفه وارداتی و متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد واردات کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران دارد، همچنین، متغیرهای تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و قیمت‌های نسبی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد واردات دارند. نتایج، این فرضیه که حذف انحرافات تجاری اثر مثبت و قابل‌ملاحظه‌ای بر رشد واردات دارد، را تأیید می‌کند. به‌ویژه آنکه، با آزادسازی تجاری رشد واردات را به‌طور متوسط در دامنه ۱۰۰ تا ۳۰۰ درصد برای تمامی کشورهای در حال توسعه افزایش می‌دهد. همچنین، این فرضیه که، با آزادسازی تجاری، کشش‌های درآمدی و قیمتی افزایش می‌یابد، مورد تأیید قرار گرفت. کشش‌های درآمدی بالاتر پس از آزادسازی تجاری، افزایش در درجه باز بودن تجارت خارجی کشورهای مورد بررسی را نتیجه می‌دهد و همچنین، افزایش کشش‌های قیمتی به‌عنوان نتیجه‌ای از اصلاح واردات مورد تأیید قرار گرفت، به نحوی که جایگزینی محصولات وارداتی به جای تولیدات داخلی تسهیل می‌گردد. به عبارت دیگر، این فرض حاکی از آن است که آزادسازی تجاری (یعنی کاهش و یا حذف انحرافات تجاری) دارای اثر مثبت معنی‌دار نه تنها بر رشد واردات داشته، بلکه کشش‌های درآمدی و قیمتی واردات را نیز تغییر می‌دهد.

طبقه‌بندی JEL : F11 ، F12 ، F41 ، O11

واژگان کلیدی: آزادسازی تجاری، تقاضای واردات، داده‌های تابلویی، روش گشتاورهای تعمیم یافته

* پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مقدمه

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) در سال ۱۹۴۷، پایه‌گذار حرکت به سوی آزادسازی تجاری گسترده در سطح جهان بوده است و در حال حاضر نیز، این حرکت به کمک سازمان تجارت جهانی (WTO) که در سال ۱۹۹۵ جایگزین گات شد، در حال تکوین و تکمیل است. سطح تعرفه‌ها در کشورهای پیشرفته به شدت کاهش یافته و به میانگین ۴ درصد رسیده و این نرخ برای کشورهای در حال توسعه نیز (اگرچه با وقفه) روندی رو به کاهش دارد. از سوی دیگر، ترتیبات تجاری چند جانبه و دو جانبه نیز به‌عنوان بهینه دوم توانسته است کشورها را به سوی آزادسازی تجاری و منافع احتمالی حاصل از آن ترغیب نماید. آنچه مسلم است، آزادسازی تجاری، در مقایسه با تولید جهانی، از رشد گسترده‌تر برخوردار بوده، اما توزیع این رشد در بین کشورهای مختلف جهان (به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه) یکسان نبوده و تبعات متفاوتی را به جای گذاشته است. انگیزه اصلی و قوی کشورها در حرکت به سوی آزادسازی تجاری، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و گرفتن سهم بالاتری در اقتصاد جهانی است. بنابراین، همواره این سؤال پیش روی کشورهای در حال توسعه قرار دارد که: آیا فرایند آزادسازی توانسته است تأثیر مثبت خود را بر رشد اقتصادی برجای بگذارد؟

رابطه بین آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی محور اصلی مطالعات اخیر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده است. پیشرفتهای اخیر در ادبیات سیاست تجاری بر روی اثرات پویایی بالقوه آزادسازی تجاری بر کاهش رفتار رانت جویانه و سرعت بخشیدن به انتقال دانش فنی از بازارهای جهانی تأکید نموده است. منافع ناشی از این سیاست دستیابی بیشتر به کالاهای جدید واسطه‌ای و سرمایه‌ای و همچنین، حجم وسیع دانش فنی، که شبیه‌سازی تکنیکهای پیشرفته را سرعت می‌بخشد، است. به لحاظ اهمیت و تأکید بر تجزیه و تحلیل کششهای قیمتی و درآمدی واردات، مطالعات تجربی پیرامون توابع تقاضای واردات یکی از مهمترین زمینه‌های تحقیقاتی در عرصه تجارت بین‌الملل محسوب می‌گردد. اقتصاددانان بین‌الملل مطالعات قابل توجهی را به تخمین توابع تقاضای واردات در بُعد جمعی و بخشی اختصاص داده‌اند. در این مطالعات کششهای برآوردی از اهمیت عملی معنی‌داری برای سیاست‌گذاران برخوردار است. چرا که کششهای تخمینی یک رابطه قطعی بین اقتصادها و درجه باز بودن (که بیانگر اثر محدودیت تراز خارجی بر روی عملکرد رشد کشوری) را نشان می‌دهند. به هر حال، مطالعات محدودی اثرات آزادسازی تجاری را بر روی رفتار وارداتی در کشورهای در حال توسعه تجزیه و تحلیل کرده است. آگاهی از متغیرهای اصلی مؤثر بر عملکرد وارداتی و پیش‌بینی جریانهای وارداتی می‌تواند به سیاست‌گذاران جهت طراحی و ارزیابی کلی پایدار از اصلاحات ساختاری کمک نماید. سیاست‌گذاران این امور را در موفقیت و الزامات برنامه‌های تعدیل ساختاری به منظور تعیین سرعت مناسب فرایند آزادسازی تجاری و اجتناب از امکانات غیر منتظره خطرات محدودیتهای ارزی خارجی به کار می‌گیرند. پیش‌بینی واکنش وارداتی به‌دنبال آزادسازی تجاری کار آسانی نبوده، به‌ویژه زمانی که

موانع غیر تعرفه‌ای وسیعی بر روی واردات وضع شده باشد. به‌عنوان مثال، محدودیتهای متعدد، نوسانات واردات را نسبت به نرخهای ارز حقیقی، تعرفه‌ها و فعالیت (تولید داخلی) تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما اثرات سنجش اندازه ترکیبی موانع واردات در هر دو بُعد تعرفه‌ای و مقداری به لحاظ محدودیت در دسترسی به داده‌ها مشکل است. مقاله حاضر، تابع رشد واردات را نشان داده و یک درک نسبتاً جامع و جدید پیرامون رشد واردات کشورهای در حال توسعه منتخب (از جمله ایران) را با تأکید بر اثر کنترل‌های وارداتی نشان می‌دهد. چارچوب نظری این مطالعه مبتنی بر اثرات اصلاحات تجاری مبنی بر رهیافت نظریه تابع تقاضای واردات است. براساس توابع تقاضای واردات سنتی، واردات تابعی از درآمد داخلی و نسبت قیمت‌های واردات جانشین به قیمت داخلی است. در این مطالعه جهت بررسی اثر آزادسازی تجاری بر واردات به مدل تابع تقاضای سنتی واردات دو متغیر عوارض وارداتی و متغیر آزادسازی تجاری تعمیم داده شده است. لذا، با استفاده از مدل پیشنهادی این فرضیه که: آیا کشش درآمدی تقاضای واردات با آزادسازی تجاری تغییر می‌یابد؟ و اینکه: اگر کشش قیمتی تقاضای واردات با آزادسازی تجاری تغییر یابد، آیا می‌توان به آسانی تولید داخلی را به جای واردات جانشین نمود؟ به عبارت دیگر، این فرض حاکی از آن است که آزادسازی تجاری اثر معنی‌داری نه تنها بر رشد واردات داشته، بلکه حساسیت آنها نسبت به تغییرات درآمدی و قیمتی نیز تغییر می‌یابد. براین اساس، تصریح پویایی تابع رشد واردات برای کشورهای در حال توسعه منتخب (از جمله ایران)^۱ در طول سالهای ۱۹۷۱-۲۰۰۱ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در داده‌های پانل به تخمین و تجزیه و تحلیل می‌پردازیم.

۱. مروری بر شواهد تجربی

در ادامه به‌طور خلاصه، به شواهد تجربی پیرامون تقاضای واردات به ترتیب در قالب مطالعات کشورهای صنعتی، مطالعات کشورهای در حال توسعه، مطالعات منطقه‌ای و در نهایت، مطالعات اقتصاد ایران خواهیم پرداخت. لذا، به لحاظ اینکه این مطالعه به بررسی اثر آزادسازی بر واردات می‌پردازد و از جمله اثرات آن بر روی کششهای قیمتی و درآمدی تقاضای واردات است، در اینجا به تجزیه و تحلیل الگوهای تقاضای واردات و کششهای قیمتی و درآمدی می‌پردازیم.

۱-۱. مطالعات کشورهای صنعتی

مسیح و مسیح (۲۰۰۰)^۲، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های نیمه سالانه (شش ماهه ۱۹۸۹:۲ -

۱. کشورهای در حال توسعه منتخب در اینجا شامل ۲۳ کشور بوده که به ترتیب عبارتند از: هند، پاکستان، سریلانکا، ایران، اندونزی، کره، مالزی، فیلیپین، تایلند، کامرون، مالاوی، مراکش، تونس، زامبیا، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری‌دمنیکن، اکوادور، مکزیک، پاراگوئه، اروگوئه و ونزوئلا.

2. Masih, and Masih, G (2000)

۱:۱۹۷۴) مبتنی بر رویکرد نوین هم‌انباشتگی جوهانسن (۱۹۹۱)^۱ و یک تکنیک قوی جهت رفع تورش همزمانی و نمونه‌های کوچک منتسب به استاک و واتسن (۱۹۹۳)^۲ (معروف به Dols) به تخمین تابع تقاضای واردات ژاپن پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آزمون جوهانسن (۱۹۹۱) جهت شناسایی تعداد روابط بلندمدت برای توابع تقاضای واردات وجود یک رابطه بلندمدت منحصر به فرد تعادلی در سطح اعتماد ۹۵ درصد را مورد تأیید قرار می‌دهد. تخمین پارامترهای بلندمدت مبتنی بر رویکرد استاک و واتسن که معروف به رهیافت پویای OLS^۳ است، نشان می‌دهد که کششهای قیمتی (-۴/۳۹) و درآمدی (۱/۸۹) واردات هر دو دارای علائم مورد انتظار و بزرگتر از واحد (به‌طور قدر مطلق) است. تابع تقاضای واردات در این حالت حساسیت بالایی نسبت به قیمت داشته، اگرچه نسبت به تغییرات قیمت کم و بیش در یک سطح متعادلی قرار دارد. مه (۱۹۹۷)^۴ با به‌کارگیری روش روندزدایی همراه با تجزیه و تحلیل شکست ساختاری به بررسی رفتار تقاضای واردات کره جنوبی می‌پردازد. نتایج کششهای بلندمدت درآمدی (۰/۲۷۲) و قیمتی (۰/۰۱۹) مطابق انتظار و معنی‌دار است. اما به لحاظ قدر مطلق، کشش قیمتی بسیار کوچک است. مه (۱۹۹۷) جهت ارزیابی ثبات تابع تقاضای واردات با استفاده از آزمون چاو^۵ نشان می‌دهد که تابع واردات (در سال ۱۹۸۱ وقوع آزادسازی تجاری) شکسته شده و تغییر ساختاری در تابع مشاهده می‌گردد.

۲-۱. مطالعات کشورهای در حال توسعه

سانتوز و پاولینو (۲۰۰۲)^۶ در مطالعه‌ای به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات برخی از کشورها پرداخته‌اند. این دو پژوهشگر با به‌کارگیری داده‌های پانل در طی سالهای ۱۹۷۶-۱۹۹۷ به تجزیه و تحلیل پرداخته و شواهد حاکی از آن است که آزادسازی تجاری کامل در فاصله بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد رشد واردات را افزایش دهد. اما این اثر در کوتاه‌مدت در حدود ۱۰۰ درصد است. داتا و احمد (۲۰۰۱)^۷، در مطالعه‌ای به بررسی رفتار جمعی تابع تقاضای واردات برای هند طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۱۹۹۵ مبتنی بر رویکرد نوین هم‌انباشتگی جوهانسن و مدل‌سازی تصحیح خطا پرداختند. ایشان در مدل‌سازی جمعی تابع تقاضای واردات از مدل جانشینی ناقص پیروی نموده و آن را به‌صورت لگاریتم خطی، تابعی از قیمت نسبی واردات، تولید ناخالص داخلی حقیقی و متغیر مجازی برای آزادسازی تجاری در نظر گرفتند. نتایج حاصل از مطالعه ایشان حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت منحصر به فرد

1. Johanson (1991)
2. Stak and Watson (1998)
3. Dynamic OLS
4. j.s, Mah (1997)
5. Chow Test
6. Santos & Paulino (2002)
7. D. Dutta, and N. Ahmed (2001)

میان متغیرهای الگو شده است. نتایج برآورد شده معادله کوتاه‌مدت برای واردات حاکی از آن است که تابع واردات بیشتر نسبت به تولید ناخالص داخلی حقیقی (۱/۴۸) حساس بوده و نسبت به تغییرات قیمت وارداتی از حساسیت پایین (۰/۴۷-) برخوردار است. این امر بیانگر آن است که کاهش قیمت‌های وارداتی از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به یک افزایش متعارف و مناسبی در جریان وارداتی منجر نخواهد شد. این موضوع همچنین بیانگر ماهیت غیرقابلی بودن واردات در هند است. ضریب تعدیل تخمینی (۰/۱۲-) حاکی از سرعت تعدیل پایین از کوتاه‌مدت به سوی بلندمدت است. مه (۱۹۹۹) با به‌کارگیری رویکرد ملو و وگت^۱ (۱۹۸۴) فرایند تأثیر آزادسازی بر واردات را برای تایلد تجزیه و تحلیل کردند. آنها مشاهده کردند با آزادسازی، به‌طور خودکار کشش درآمدی تقاضای واردات افزایش یافته، اما کشش قیمتی تقاضای واردات هیچ‌گونه واکنشی نشان نداده است. بهمنی اسکویی و نیرومند (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای برای ۳۰ کشور با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۶۰-۱۹۹۲ به عوامل تعیین‌کننده تقاضای واردات و صادرات بر اساس رویکرد نوین هم‌انباشتگی جوهانسن پرداختند. آنها در مدل‌سازی واردات مدل تقاضای واردات را تابعی لگاریتمی خطی از نسبت شاخص قیمت وارداتی به شاخص قیمت داخلی و تولید ناخالص داخلی در نظر گرفتند. نتایج آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن در رابطه با معادله واردات برای تمامی کشورها حاکی از یک رابطه بلندمدت منحصر به فرد است. کششهای درآمدی برای تمامی کشورها بالا بوده و همچنین، کششهای قیمتی نیز برای اغلب کشورها از مقدار بالا اما کوچکتر از واحد (به استثنای کشور کلمبیا، مصر، یونان و فیلیپین) برخوردار است.

۳-۱. مطالعات منطقه‌ای

آریز و شوئیف (۱۹۹۸)^۲، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بلندمدت بین واردات و ناپایداری^۳ (فرراری) نرخ ارز در کشورهای گروه هفت در دوره زمانی ۱۹۹۵:۱ - ۱۹۷۳:۲ مبتنی بر سه رویکرد جوهانسن (۱۹۹۴، ۱۹۹۱)، روشهای محکم (معتبر)^۴ تک معادله‌ای استاک و واتسن (۱۹۹۳) و فیلیپس و لورتان (۱۹۹۱)^۵ پرداختند. آریز و شوئیف (۱۹۹۸) از نقطه نظر تئوریک تابع تقاضای واردات حقیقی را تابعی لگاریتم خطی برحسب تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، شاخص نسبت قیمت‌ها و یک معیاری از انحرافات استاندارد به‌عنوان ناپایداری نرخ ارز در نظر گرفتند. این دو پژوهشگر از دو معیار برای این مسئله استفاده نموده، یکی انحراف نرخ ارز مؤثر حقیقی از مقدار پیش‌بینی شده آن و دیگر، تغییرات نرخ ارز مؤثر حقیقی از فصل $t-1$ و t . نتایج بر اساس آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن حاکی از وجود

-
1. Melo & Voget (1984)
 2. A. c Arize and s. Shwiff.s (1998)
 3. volatility
 4. robust
 5. Philips and Louratan (1991)

یک رابطه بلندمدت منحصر به فرد میان متغیرهای الگو در سطح معنی‌داری ۵ درصد در تمامی کشورهای گروه هفت است. ضریب کشش درآمدی برای تمامی کشورها در طول دوره نمونه دارای علامت مثبت مطابق با انتظارات نظری است، در شش کشور از هفت کشور کشش درآمدی بزرگتر از واحد بوده، به طوری که دامنه تغییرات آن از ۱/۱۱ تا ۲/۰۸ (به استثنای ژاپن که ۰/۹۸) است. این امر به مفهوم حساسیت بالای تقاضای واردات به سطح فعالیت داخلی هر کشور است. کششهای قیمتی برآوردی، سازگار با انتظارات نظری (برای تمامی کشورها منفی) و تغییرات آن از ۰/۰۷- تا ۰/۶۴- است. نتایج ناپایداری نرخ ارز برای شش کشور (ایالات متحده، انگلستان، ژاپن، ایتالیا، آلمان و فرانسه)، دارای اثر منفی و در فاصله ۰/۰۱- تا ۰/۳۶- قرار دارد. اما برای کانادا این اثر مثبت و برابر ۰/۲۵ برآورد شده است. یوسف و همکاران^۱ معادلات تقاضای واردات جمعی برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۲ (GCC) را با استفاده از داده‌های سریهای زمانی برای تقریباً دو دهه مورد برآورد قرار می‌دهند. یوسف و همکاران با به‌کارگیری رویکرد جانشینی ناقص در مدل‌سازی تابع تقاضای واردات و استفاده از مکانیزمهای پویا در مدل‌سازی به برآورد کششهای قیمتی و درآمدی بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌پردازند. آنها تابع تقاضای واردات برای هر یک از کشورهای عضو GCC را به صورت فرم لگاریتمی تابعی از تولید ناخالص داخلی حقیقی، شاخص قیمت وارداتی و واردات باوقفه در نظر می‌گیرند. در برخی مواقع به جای شاخص قیمت وارداتی به دلیل فقدان یا کمبود آمار از متغیرهای جانشین آن نظیر: شاخص قیمت ایالات متحده (به‌عنوان شرکای اصلی تجاری)، شاخص قیمت کشورهای صنعتی، شاخص قیمت جهانی و یا شاخص قیمت عمده‌فروشی استفاده شده است. محققین در ادامه مطالعه، جهت اجتناب از رگرسیون ساختگی، از آزمون دیکی - فولر تعمیم‌یافته استفاده نمودند، نتایج وجود ریشه واحد در متغیرهای مورد بررسی در هر یک از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را نشان می‌دهد. اما نتایج آزمون هم‌انباشتگی انگل - گرنجر^۳ در هر یک از معادلات واردات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، حاکی از هم‌انباشتگی الگوی برآوردی است. از این‌رو، یوسف و همکاران با استفاده از این نتیجه و به‌کارگیری روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، تابع تقاضای واردات را برای کشورهای عضو برآورد نمودند. مدل برآورد شده برای تمامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از خوبی برازش بالایی برخوردار است. اما تنها در کشور بحرین کشش درآمدی کوتاه‌مدت تقاضای واردات باکشش بوده و در سایر کشورها کشش مذکور به ترتیب برای کویت ۰/۵۹۲، قطر ۰/۵۹۳۷، عربستان سعودی ۰/۲۳۷ و امارات ۰/۴۷۷ برآورد شده است. به عبارت دیگر، واردات در این گروه از کشورها یک کالای ضروری است. کشش درآمدی برای کشور عمان تقریباً برابر واحد برآورد شده است. به‌ویژه این ضریب در کوتاه‌مدت برابر ۰/۹۲۸ است. کشش درآمدی بلندمدت برای امارات و قطر تقریباً نزدیک به یک تخمین

1. Yousuf Hasn et al,

2. The GulfC operation Council Countries

3. Engele & Granger

زده شده است. اما به هر حال، تقاضای واردات نسبت به درآمد در بلندمدت برای بقیه گروه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از حساسیت بالاتری برخوردار است. کششهای درآمدی بلندمدت برای این گروه کشورها عبارتند از: بحرین ۱/۹۹، کویت ۱/۷ و عمان و عربستان ۱/۳۳. حساسیت تقاضای واردات نسبت به قیمت‌های نسبی در کوتاه‌مدت (به جز برای قطر) پایین است؛ به طوری که این کشش برای عربستان بسیار پایین و در حدود ۰/۷۰- برآورد شده است. اما در بلندمدت، کشش قیمتی واردات برای تمامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (به جز برای کویت و قطر) بی‌کشش برآورد شده است. در نهایت واردات در کشورهای کویت، عمان، قطر و عربستان به‌طور معنی‌داری بر اثر متغیر با وقفه واردات (به تدریج اما با سرعت متفاوت) تعدیل می‌گردند. این سرعت تعدیل برای عربستان بسیار پایین و در حدود ۰/۷ در سال است. اما برای کویت و امارات مقدار آن بزرگتر از واحد بوده به طوری که برای کویت در حدود ۱/۹ و امارات ۱/۱ در سال است، سرعت تعدیل برای کشور قطر و عمان بسیار کوتاه بوده به طوری که به ترتیب برابر ۰/۴ و ۰/۶ است.

۴-۱. مطالعات اقتصاد ایران

در مطالعه ابریشمی (۱۳۸۰)، اهمیت عوامل تعیین کننده تقاضای واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت مبتنی بر روش‌های هم‌انباشتگی و الگوسازی تصحیح خطا و در فاصله زمانی ۱۳۷۶:۴ - ۱۳۵۰:۱ مطالعه شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که قیمت‌های نسبی و تقاضای حقیقی مبتنی بر نظریه استاندارد تقاضای واردات، به تنهایی قادر نیستند نوسانات این متغیر را در طول دوره نمونه به نحو رضایت‌بخشی تبیین نمایند. در واقع، بدون کنترل اثر محدودیت تجاری در الگو، فرضیه وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای الگوی استاندارد، در اکثر موارد (براساس فروض مختلف) رد می‌شود. لذا، محدودیت‌های کمی و رویه‌های تجاری در طول دوره نمونه ثابت نبوده است. در مقابل، الگوی تقاضای واردات در شرایط محدودیت‌های ارزی رفتار بلندمدت و کوتاه‌مدت واردات در اقتصاد ایران را بر اساس آزمون‌های هم‌انباشتگی و آماره‌های تشخیص به نحو مطلوبی توضیح می‌دهد. در الگوی مذکور که محدودیت‌های کمی روی تجارت خارجی با متغیر نسبت ذخایر خارجی نظام بانکی به واردات کنترل شده، رابطه تعادلی بلندمدت میان واردات و عوامل تعیین کننده بلندمدت آن (قیمت نسبی، تقاضای نهایی و نسبت پوشش ذخایر ارزی برای واردات) مبتنی بر آزمون‌های هم‌انباشتگی با قاطعیت پذیرفته می‌شود. به علاوه، معیارهای برازش در الگوی تصحیح خطای ساختاری واردات به هنگام لحاظ کردن متغیر ذخایر نظام بانکی به نحو قابل توجهی بهبود می‌یابد. کشش درآمدی تقاضای بلندمدت واردات، در تمامی الگوها و همچنین، رویکردهای مختلف هم‌انباشتگی (انگل و گرنجر، خود توضیح با وقفه برداری پسران - شین و فیلیپس - هنسن^۱) با دقت بالایی نزدیک به واحد برآورد می‌شود. تخمین‌های کشش

درآمدی بر اساس روش کالمن - فیلتر^۱ هر چند نسبتاً باثبات بوده، اما رفتار ادواری ملایمی همسو با آزادسازیهای تجارت خارجی داشته است. کشش کوتاهمدت واردات نزدیک به ۵/۷ برآورد شده که به مراتب بزرگتر از برآورد کشش بلندمدت واردات است. یافته مذکور نشان می‌دهد که به هنگام کاهش درآمدهای ارزی، اقتصاد ایران قادر به تعدیلات ساختاری مورد نیاز برای کاهش وابستگی به واردات در بلندمدت بوده است. برآورد کشش قیمتی واردات در کلیه موارد، کمتر از واحد (حداکثر ۰/۶) برآورد شده و اهمیت آماری آن نیز بسیار پایین است. تخمینهای حاصل از این ضریب در روش کالمن - فیلتر بسیار بی‌ثبات بوده و نتیجه مذکور را تأیید می‌کند. در واقع، از سال ۱۳۵۲، به دنبال افزایش درآمد نفت و گسترش آزادسازیهای تجاری، کشش قیمتی واردات به سرعت افزایش می‌یابد. اما پس از انقلاب، با کنترل‌های وارداتی بیشتر، کشش قیمتی تا سال ۱۳۷۱ کاهش می‌یابد. این کشش در ابتدای سال ۱۳۷۲ به یکباره افزایش یافته و مجدداً شروع به کاهش کرده و به ۱/۱۸ می‌رسد. بنابراین، تغییرات کشش قیمتی واردات به شدت همسو با سیاستهای آزادسازی تجارت خارجی بوده است. بدین ترتیب، انتظار می‌رود همراهی سیاست کاهش ارزش پول با آزادسازی تجاری، اثرات با اهمیتی بر تقاضای واردات داشته باشد. نسبت ذخایر نظام بانکی به واردات از اهمیت آماری بالایی در روابط بلندمدت برخوردار است. در بلندمدت این ارتباط مثبت بوده، به طوری که با بالا رفتن پوشش ذخایر نظام بانکی برای واردات به میزان یک دوره (۳ ماه) در بلندمدت ۱۴ درصد افزایش یافت. در واقع، به دلیل عدم دسترسی آسان به بازار سرمایه و کنترل شدید دولت بر بازرگانی خارجی، سیاست‌گذاران اقتصادی، واردات را نیز در تعامل با سطح مطلوب ذخایر نظام بانکی تعیین نموده‌اند. تکانه‌های درآمدی و پس از آن، نسبت ذخایر نظام بانکی بیشترین سهم در نوسانات واردات در افقهای زمانی مختلف داشته‌اند. کمترین سهم نیز در واریانس خطای پیش‌بینی واردات مربوط به قیمت‌های نسبی است. این سهم در کوتاهمدت (سال اول) حدود ۹ درصد بوده و در میان مدت و بلندمدت اندکی افزایش یافته و به (حداکثر) ۱۶ درصد می‌رسد. نتایج مذکور، با اهمیت پایین قیمت‌های نسبی در معادلات بلندمدت و کوتاهمدت واردات، سازگار است. اما همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد در شرایط محدودیتهای ارزی، تأکید بیشتر بر روی پایین بودن سهم قیمت‌های نسبی در واریانس واردات است. خیابانی (۱۳۷۸)^۲، رفتار واردات ایران را با استفاده از مدل‌های عدم تعادل و تصحیح خطا مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی به منظور توضیح رفتار واردات در ایران از دو رژیم وارداتی به شکل برون‌زایی و درون‌زایی احتمال استفاده نموده است. در اولین رژیم وارداتی، واردات با محدودیتهای خارجی (ذخایر ارزی قابل دسترس) و در دومین رژیم، واردات متغیرهای متداول طرف تقاضای واردات (قیمت‌های نسبی و تولید) تعیین می‌گردد. ضرایب کوتاهمدت و بلندمدت به طور همزمان بر اساس روش حداکثر راست‌نمایی برآورد شده است. نتایج برآوردی در اولین

1. Kalman and Filter

۲. ناصر خیابانی (۱۳۷۸)

رژیم وارداتی، کشش درآمدی و قیمتی را در بلند مدت برابر با $1/61$ و $0/84$ - و در کوتاه‌مدت برابر با $1/79$ و $0/34$ - نشان می‌دهد. نکته با اهمیت آن است که مدل، کشش کوتاه‌مدت درآمدی را بزرگتر از کشش بلندمدت آن برآورد نموده است. نتیجه حاصل می‌تواند چنین تفسیر گردد که در کوتاه‌مدت به دلیل عدم امکان سریع جانشینی داخلی به جای خارجی، افزایش تولید به شدت واردات را در کوتاه‌مدت (به ویژه واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) افزایش می‌دهد. اما پایین بودن کشش بلندمدت درآمدی نسبت به کوتاه‌مدت آن می‌تواند دلالت بر امکان جانشینی واردات در دوره‌های بلندمدت زمانی داشته باشد. پایین بودن کشش قیمتی، به ویژه در کوتاه‌مدت، می‌تواند توجیه‌کننده عدم آزادسازی تجاری و مسلط بودن نقش محدودیتهای کنترل واردات در اقتصاد ایران باشد. این نتیجه با توجه به ضرایب بلندمدت و کوتاه‌مدت ذخایر ارزی در مدل تأیید می‌گردد. همچنین، حدود 60 درصد از رفتار واردات در اقتصاد ایران با رژیم محدودیتهای خارجی توضیح داده شده است. به عبارت دیگر، اهمیت و قدرتمندبودن تأثیر محدودیتهای خارجی در نوسانات رفتار واردات در ایران را نشان می‌دهد. نتایج در دومین رژیم وارداتی، که در آن احتمال به صورت درون‌زا تعیین گردیده است، تقریباً مشابه با اولین رژیم است، با این تفاوت که اهمیت اثر ذخایر ارزی در توضیح‌دهی واردات بیشتر نمایان شده است. سرعت تعدیل بلندمدت در هر دو مدل به ترتیب برابر با $0/34$ - و $0/49$ - است.

۲. آزادسازی تجاری و واردات

یکی از مهمترین اهداف تشکیل توافق‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (GATT)^۱ در سال ۱۹۷۴، دستیابی به کاهش قابل توجه و اساسی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت است، به طوری که شرایط دسترسی آزادانه کشورها به بازارهای بین‌المللی فراهم شود. اصلاحات سیاست تجاری کشورهای در حال توسعه به طور وسیع و گسترده‌ای به اجرا درآمده و این امر عمدتاً به دلیل آن است که اصلاحات تجاری در این کشورها منتج از برنامه‌های تعدیل ساختاری که سازمانهای بین‌المللی به اجرا درآوردند، بود.^۲ علاوه بر این، تغییر در تفکرات ذهنی و شواهد تجربی که با مطالعات بین‌کشوری (با استفاده از شاخصهای مختلف انحرافات تجاری)، ویژگیهای یک اقتصاد برون‌گرا و شکست سیاستهای حمایتی را در برخی کشورهای در حال توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، از عوامل مهم در اصلاحات سیاست تجاری محسوب می‌گردد. از الزاماتی که این رویکرد برای آن تأکید دارد آن است که، کشورهای در حال توسعه باید استراتژیهای تجاری حمایتی و محدودکننده را حذف و بخشهای تجارت خارجی را باز نمایند.^۳ درباره موانع تعرفه‌ای مذاکرات تجاری موفقیت‌آمیزی به منظور اصلاحات اساسی و کاهش

1. General Agreement on Tariffs and Trade

2. See, IMF (2000), Dean et al (1994), UNTACD (1999, 2000)

3. Edwards (1992,1993); Krueger (1998); Rodriguez and Rodrick (2000)' Thriwall (2000)' Ben-David et al (1999)

تعرفه‌ها صورت پذیرفته است. اما با موانع غیرتعرفه‌ای هنوز با مشکل رو به رو است. هم‌اکنون نیز، مذاکرات تجاری و اصلاحات سیاست تجاری به سوی این موضوع در جریان است. موانع غیرتعرفه‌ای روشهای مختلف واردات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، که از آن جمله می‌توان به موانع سیاست وارداتی (موانع یا محدودیتهای واردات از طریق الزامات توافق وارداتی) و الزامات متعارف و اجرایی جهت اطمینان از کیفیت کالاها برای ورود به بازارهای داخلی (از این ابزار بیشتر کشورهایی که سیاستهای حمایتی به کار می‌گیرند، استفاده می‌نمایند) و به کارگیری معیارهای ضد دامپینگ (جهت حمایت از صنایع داخلی برای جلوگیری از آسیب ناشی از دامپینگ یا یارانه‌های وارداتی)، حمایت‌های دولتی، موانع خدمات رسانی و فقدان حمایت کافی از حقوق مالکیت فکری و غیره اشاره نمود. وجود یک چنین موانعی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما سازمان جهانی تجارت (WTO)^۱ استفاده برخی از آنها را به‌عنوان ابزار حمایتی بازارهای داخلی، به‌ویژه برای بخشهای بهداشتی، پذیرفته و مورد تأیید قرار داده است. علی‌رغم این موضوع، نگرانی جدی در این باره آن است که کشورها باید به کارگیری موانع غیرتعرفه‌ای را حذف نمایند. زیرا چنین روشهایی را می‌توان روشهای تبدیل یافته از حمایت دانست. جدول (۱) خلاصه‌ای از اصلاحات عمده در سیاست تجاری کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. هر یک از کشورها ضرورتاً کاهش انحرافات تجاری، به‌ویژه واردات، را تجربه نموده‌اند. البته میزان اصلاحات و اگر بوده و در بسیاری از موارد اصلاحات هنوز برجسته و ممتد است. ساده‌سازی فرایند واردات، کاهش یا حذف سهمیه‌ها و منطقی‌سازی ساختار تعرفه‌ها، از گسترده‌ترین و شایع‌ترین اصلاحات در این کشورها است. همچنین در این باره، شاخصهای سیاست تجاری نظیر تعرفه‌های وارداتی اثر منفی مالیات بر تجارت را بر رشد واردات (برحسب مقدار) نشان می‌دهد. جدول (۲) خلاصه‌ای از رفتار مالیات بر واردات (به‌عنوان درصدی از کل واردات) قبل و بعد از مهمترین اصلاحات تجاری را نشان می‌دهد. در بهترین حالت، اصلاحات، به‌ویژه آزادسازی واردات را می‌توان به کاهش در مالیات بر واردات مرتبط نمود. کشورهایایی نظیر کلمبیا، جمهوری دومینکن، اکوادور، هند، کره، مالزی، مکزیک، پاراگوئه و ایران درصد قابل توجهی از کاهش عوارض مالیاتی توأم با اصلاحات تجاری را نشان می‌دهند. سایر کشورها نظیر شیلی، تایلند، مراکش، اروگوئه، کامرون و تونس، دریافتهای عوارض وارداتی آنان (به‌عنوان نسبتی از کل واردات) همچنان به‌طور ملایم و آهسته در حال کاهش است. اما درباره موانع غیرتعرفه‌ای، این موضوع بسیار مشکل و سخت است که بتوان آن را در قالب یک عدد یا شاخص (که عمدتاً به خاطر نوع کشور خاص و گاهی اوقات عدم وجود اطلاعات) برای اغلب کشورهای در حال توسعه منتشر نمود. برخی از مؤلفین سعی نمودند از معیارهای متفاوتی برای اندازه‌گیری موانع غیرتعرفه‌ای استفاده نمایند که یکی از آنان استفاده از متغیرهای مجازی برای نمایش شکست ساختاری در اصلاحات سیاست

1. World Trade Organization

تجاری است. درباره این موضوع از سال ۱۹۹۵ بنیاد هریتیج^۱ شاخص درجه آزادی اقتصاد را به‌طور سالانه (که مجموعه عواملی که به‌طور مستقیم سهم قابل توجهی در تعیین درجه آزادی اقتصادی دارد)، منتشر می‌کند. این شاخص، قلمرو وسیعی از عوامل نهادی اقتصادی را در بر می‌گیرد که یکی از عناصر کلیدی اندازه‌گیری درجه آزادی اقتصادی، سیاست تجاری است. در این باره کشورها، بر حسب مقیاس درجه سیاست تجاری در پنج گروه: بسیار پایین، پایین، متوسط، بالا و بسیار بالا طبقه‌بندی می‌گردند. جدول (۳) رتبه‌های سیاست تجاری بر حسب متوسط نرخ تعرفه هر کشور را نشان می‌دهد. نرخهای بالاتر حاکی از پایین بودن درجه باز بودن آن کشور است.^۲ سایر عوامل سیاست تجاری موانع غیرتعرفه‌ای و انحراف در خدمات گمرکی است. شاخص مذکور در فاصله یک تا پنج تغییر می‌کند و سعی دارد، نشان دهد سیاست دولت تا چه اندازه به عنوان یک عامل عدم انگیزه در تجارت عمل کند، را اندازه‌گیری نماید. همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌گردد، به‌طور متوسط اغلب کشورها در طبقه میانه (وسط) همراه با سطح تعرفه در جدول (۲)، قرار دارند. همچنین، کشورهایی که دارای محدودیتهای سیاست تجاری با درجه بالا هستند، سطوح تعرفه‌ای بالایی به کار می‌برند.

جدول ۱- اصلاحات تجاری در کشورهای در حال توسعه

معیارهای اصلاح تجاری	اصلاحات		منطقه / کشور
	اولین	آخرین	
جنوب و غرب آسیا			
افزایش برخی تعرفه‌ها و تعدیلات طرح OGL ^۳ ، آزادسازی تعرفه‌ها و محدودیتهای مقداری در برنامه تعدیل در سال ۱۹۹۱، یکسان‌سازی نرخ ارز.	۱۹۸۹	۱۹۹۱	هند
جایگزین نمودن موانع غیرتعرفه‌ای با تعرفه‌ها، کاهش نرخهای ماکزیمم تعرفه و کاهش معافیت‌های تعرفه‌ای، حذف برخی محدودیتهای در معاملات حساب سرمایه در سال ۱۹۹۱ و ابزارهای جدید، به کنترل‌های ارزی جدید محدود نگردیدند.	۱۹۸۹	۱۹۹۱	پاکستان
کاهش قلمرو تعداد کالاها مستلزم توافق تجاری، اصلاحات ارزی در سال ۱۹۸۷، در این سال اغلب کنترل‌های ارزی لغو گردید.	۱۹۸۷	۱۹۹۰	سريلانكا

1. Heritage

۲. اگر متوسط نرخهای تعرفه موجود نباشد، متوسط نرخ تعرفه به وسیله درآمد‌های ناشی از تعرفه‌ها و عوارض به عنوان درصدی از کل واردات محاسبه می‌گردد. همچنین این اطلاعات پیرامون ساختار کلی تعرفه، نرخهای متنوع آن و نرخهایی که از آن برای تخمین یک نرخ حمایت مؤثر استفاده می‌شود، قابل محاسبه است.

3. Open General License

ادامه جدول ۱-.

معیارهای اصلاح تجاری	اصلاحات		منطقه / کشور
	آخرین	اولین	
در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵)، تعرفه گمرکی جدیدی که بیشتر جنبه حمایتی داشته به تصویب رسید. در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) با تصویب قوانینی جهت کاهش موانع تجاری روند آزادسازی تجاری تشدید گردید.	۱۹۷۴	۱۹۳۶	ایران
شرق آسیا			
کاهش درهم پوشانی موانع وارداتی تعرفه‌ای. تعرفه‌ها به حدود ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۳ کاهش یافتند.	۱۹۹۰	۱۹۸۵	اندونزی
حذف محدودیتهای مقداری از محصولات غیرکشاورزی و کاهش متوسط غیروزنی تعرفه‌ها	۱۹۸۹	۱۹۸۴	کره
کاهش تعرفه‌های مواد غذایی، کالاهای خانوار، پوشاک، تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی در فاصله زمانی ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲.	۱۹۸۹	۱۹۸۶	مالزی
جابه‌جایی تدریجی محدودیتهای مقداری با تعرفه‌ها و همچنین کاهش دامنه تعرفه‌ها.	۱۹۸۹	۱۹۸۶	فیلیپین
حذف محدودیتهای مقداری محصولات غیرکشاورزی، برنامه کاهش تعرفه‌ها، اما بعداً مورد تجدیدنظر قرار گرفت.	۱۹۹۰	۱۹۸۲	تایلند
افریقا			
حذف محدودیتهای مقداری بر واردات	۱۹۹۱	۱۹۸۹	کامرون
کاهش عوارض وارداتی و محدودیتهای تجاری	۱۹۹۱	۱۹۸۸	مالاوی
کاهش در محدودیتهای مقداری محصولات غیررقابتی، کاهش اندک نرخ حداکثر تعرفه، جریمه تعرفه‌های جدید.	۱۹۸۹	۱۹۸۳	مراکش
جایگزینی تدریجی محدودیتهای مقداری با جریمه‌ها، کاهش جریمه‌ها.	۱۹۹۰	۱۹۸۷	تونس
افزایش طرح توافق عمومی باز (OGL) و یکسان‌سازی نرخ ارزی، کاهش حداکثر نرخ تعرفه و تغییرات آن	۱۹۹۰	۱۹۹۰	زامبیا

ادامه جدول - ۱.

معیارهای اصلاح تجاری	اصلاحات		منطقه / کشور
	اولین	آخرین	
امریکای لاتین			
شیلی در سال ۱۹۸۵ به‌طور صوری هیچ نوع محدودیت مقداری ؟؟؟ ولی به‌صورت قانونی ممانعت می‌کرد. کاهش یکسان نرخهای غیرتعرفه‌ای.	۱۹۸۸	۱۹۸۵	شیلی
کاهش معنی دار در سطح پراکندگی نرخهای تعرفه و گسترده‌نمودن برخی از موقعیتهای تعرفه‌ای روی فهرست آزاد واردات، لغو توافق وارداتی، کاهش در سطوح تعرفه‌ها، کاهش برخی از تعرفه‌ها از ۱۴ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۴ درصد در سال ۱۹۹۳ و آزادسازی نرخ ارز. کاهش ضرائب تعرفه‌ای به وسیله نرخ ارز رقابتی. در سال ۱۹۹۱ تمامی عملیات مبادله خارجی در بازار مورد معامله قرار می‌گرفت و در آنجا نرخ ارز تعیین می‌گردید و کنترل‌های معامله خارجی حذف و توافقات خارجی لغو گردید.	۱۹۹۱	۱۹۸۵	کلمبیا
کاهش متوسط پراکندگی (تجمیع) نرخهای تعرفه. در ژانویه ۱۹۹۲ سیستم مبادله خارجی دگرگون گردید و نرخ ارز شناور شد، حساب سرمایه باز و کنترل‌های خارجی حذف گردید.	۱۹۹۰	۱۹۸۵	کاستاریکا
موانع غیرتعرفه‌ای به‌طور وسیع بی‌مصرف و بدون کاربرد گردید. تعدیل تعرفه‌ها (در دو بُعد تعداد و نرخها) صورت گرفت. کاهش جریمه‌های واردات و حذف بیشتر آن در سال ۱۹۹۵، مدرنیزه کردن امور مشتریان، ساده‌سازی سیستم نرخ ارز.	۱۹۹۲	۱۹۹۰	جمهوری دومینکن
حذف بخش‌هایی از محدودیتهای مقداری، ماکزیمم تعرفه‌ها به ۳۵ درصد کاهش یافت.	۱۹۹۵	۱۹۸۵	اکوادور
حذف محدودیتهای واردات و جایگزین‌نمودن آن با تعرفه‌ها. در سال ۱۹۸۶ توافقات واردات پوششی کاهش یافته است و در سال ۱۹۸۷ تمامی حداقل قیمت‌ها حذف گردید، تقریباً تمامی محدودیتهای مقداری از کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای حذف گردید. در سال ۱۹۹۱ نرخ ارز یکسان‌سازی گردید.	۱۹۸۸	۱۹۸۵	مکزیک

ادامه جدول -۱.

معیارهای اصلاح تجاری	اصلاحات		منطقه / کشور
	آخرین	اولین	
ساده‌سازی ساختار تعرفه و کاهش نرخ، موانع غیرتعرفه‌ای به‌کار گرفته شده برای تعداد کمی از محصولات کشاورزی با تعرفه جایگزین گردید. کنترل‌های ارزی حذف گردید و نرخهای شناور آزاد برقرار شد.	۱۹۹۵	۱۹۸۹	پاراگوئه
موانع محدودیتهای مقداری و سایر موانع تجاری حذف گردید. قوانین تجارت ساده سازی شد و یک فرایند تدریجی کاهش عوارض وارداتی اجرا گردید. کنترل‌های اجرایی کاهش یافت.	۱۹۸۵	۱۹۸۳	اروگوئه
حذف تدریجی محدودیتهای مقداری، کاهش و منطقی‌سازی تعرفه‌ها. یکسان سازی نرخ‌های ارز و حذف کنترل‌های ارزی.	۱۹۹۱	۱۹۸۹	ونزوئلا

منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه (Ameliou.santos-Paulino (2001) و برای ایران مطالعه رازینی (۱۳۷۸).

جدول ۲- عوارض وارداتی و رشد واردات قبل و بعد از آزادسازی تجاری

کشور	سال آزادسازی	قبل از آزادسازی		بعد از آزادسازی	
		عوارض وارداتی	رشد واردات	عوارض وارداتی	رشد واردات
		$5 < d \leq 10$ درصد			
اندونزی	۱۹۸۶	۴/۸۲	۷/۵۵	۵/۱۱	۸/۵۹
		$10 < d \leq 15$ درصد			
کاستاریکا	۱۹۹۰	۹/۷۲	۳/۹۵	۷/۹۷	۹/۰۵
کره جنوبی	۱۹۹۰	۸/۶۸	۱۲/۵۳	۵/۵۵	۹/۳۵
مالزی	۱۹۸۸	۸/۴۱	۱۰/۰۶	۵/۰۹	۱۵/۴۸
مکزیک	۱۹۸۶	۸/۲۷	۷/۹۴	۴/۶۹	۱۳/۴۴
پاراگوئه	۱۹۸۹	۸/۵۹	۱۱/۰۲	۴/۸۸	۲۲/۸۸
		$d < 15$ درصد			

ادامه جدول ۲-

کشور	سال آزادسازی	قبل از آزادسازی		بعد از آزادسازی	
		عوارض وارداتی	رشد واردات	عوارض وارداتی	رشد واردات
شیلی	۱۹۷۶	۱۳/۹۳	۲/۴۹	۱۲/۴۲	۹/۸۸
فیلیپین	۱۹۸۶	۱۳/۴۸	۲/۸۴	۱۳/۹۷	۱۳/۱۲
سريلانكا	۱۹۹۰	۱۳/۳۸	۷/۹۳	۱۳/۴۱	۸/۷۷
تایلند	۱۹۸۶	۱۲/۸۱	۶/۱۲	۹/۶۶	۱۱/۶۶
ونزوئلا	۱۹۹۱	۱۰/۰۵	۶/۴۰	۱۰/۱۱	۱۲/۷۱
زامبیا	۱۹۹۰	۱۰/۰۷	-۴/۲۳	۱۶/۶۷	۲/۳۴
		$15 \leq d < 20$ درصد			
کلمبیا	۱۹۹۱	۱۵/۰۴	۴/۹۹	۹/۱۷	۱۴/۵۲
جمهوری دومینکن	۱۹۹۲	۱۸/۹۸	۵/۳۸	۱۵/۰۳	۸/۰۵
اکوادور	۱۹۹۱	۱۵/۸۱	۱/۷۸	۸/۸۹	۶/۶۹
مراکش	۱۹۸۴	۱۹/۱۱	۳/۳۱	۱۶/۶۵	۶/۴۹
اروگوئه	۱۹۸۵	۱۶/۲۷	-۱/۵۳	۱۰/۶۵	۱۱/۳۹
		$20 \leq d$ درصد			
کامرون	۱۹۹۱	۲۱/۶۵	۶/۷۷	۲۰/۹۸	۳/۴۰
هند	۱۹۹۱	۳۸/۵۹	۶/۷۹	۲۷/۷۷	۱۰/۹۳
مالاوی	۱۹۹۱	۲۱/۴۷	۲/۲۸	۲۱/۳۶	۱/۸۳
پاکستان	۱۹۹۱	۲۶/۸۲	۳/۶۳	۲۱/۳۳	۴/۸۴
تونس	۱۹۸۹	۲۳/۸۳	۶/۰۱	۲۱/۲۹	۴/۶۳
ایران	۱۹۷۴	۳۹/۰۳	۲۵/۳۵	۳۰/۸۶	۳۳/۶۵
	۱۹۹۳ ۱۹۹۴	۲۱/۷۲	۲/۲۱	۱۵/۱۲	۳/۱۱

* d عوارض وارداتی است
منبع: WDI (2003)

جدول-۳. طبقه‌بندی کشورها بر اساس مقیاس درجه‌بندی سیاست تجاری بنیاد هریتیج (۱۹۹۵-۲۰۰۰)

کشورها	معیار	میزان حمایت
————	درصد و یا موانع $ATR \leq 4$ غیرتعرفه‌ای بسیار پایین	بسیار پایین
شیلی پاروگوئه	درصد و یا موانع $4 < ATR \leq 9$ غیرتعرفه‌ای پایین	پایین
کلمبیا کاستاریکا اکوادور کره جنوبی مالزی مکزیک	درصد و یا موانع $9 < ATR \leq 14$ غیرتعرفه‌ای متوسط	متوسط
ماراکو دومینکن اندونزی	درصد و یا موانع $14 < ATR \leq 19$ غیرتعرفه‌ای بالا	بالا
پاکستان تونس ایران کامرون هند مالاوی	درصد و یا موانع $ATR \geq 19$ غیرتعرفه‌ای	بسیار بالا

منبع: ATR Heritage Foundation Index of Economic Freedom Various Issues
بیانگر متوسط نرخ تعرفه است.

۳. معرفی الگوی نظری و تخمین مدل اقتصادسنجی

۳-۱. مدل

در این بخش با پیروی از الگوی جانشیني ناقص، به تخمین و تجزیه و تحلیل توابع تقاضای واردات در قالب توابع تقاضای واردات سنتی می‌پردازیم. در این‌گونه توابع، تقاضای واردات، به‌صورت تابعی از قیمت‌های نسبی (قیمت‌های داخلی به جانشین) و درآمد داخلی تصریح شده است. با فرض ثابت بودن کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای واردات، می‌توان نوشت:

$$M = \left[\frac{P_f \cdot E}{P_d} \right]^{\Psi} Y^{\pi} \quad (1)$$

به طوری که Y درآمد داخلی، P_f قیمت‌های خارجی، E نرخ ارز اسمی، P_d قیمت‌های داخلی، Ψ کشش قیمتی و π کشش درآمدی تقاضای واردات است. انتظارات نظری حاکی از آن است که کشش قیمتی منفی و کشش درآمدی مثبت باشد. با لگاریتم و تفاضل‌گیری از معادله (۱)، معادله رشد واردات را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$m = \Psi(p_f + e - p_d) + \pi(y) \quad (2)$$

به منظور لحاظ نمودن پویایی میان واردات و شرایط تعادلی آن از فرایند تعدیل جزئی استفاده می‌گردد، لذا خواهیم داشت:

$$m_t = \beta_0 + \beta_1 p_m + \beta_2 y + \beta_3 m_{t-1} + \mu_t \quad (3)$$

به طوری که $\beta_1 = \Psi$ و $\beta_2 = \pi$ به ترتیب کشش‌های کوتاه‌مدت قیمتی و درآمدی هستند، p_m رشد قیمت‌های نسبی و μ_t جمله خطای مدل است، کشش‌های بلندمدت قیمتی و درآمدی مدل به ترتیب عبارتند از $\frac{\beta_1}{1-\beta_3}$ و $\frac{\beta_2}{1-\beta_3}$.

همان طوری که در بخش قبلی بیان گردید، مطالعات متعددی به تخمین توابع تقاضای واردات برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه پرداخته‌اند. جهت بررسی اثر آزادسازی تجاری بر عملکرد واردات و همچنین، تحلیل رفتار کشش‌های تقاضای واردات در طول دوره اصلاحات تجاری، روش‌های متعددی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ملو و وگت (۱۹۸۴)^۱ در این باره به دو فرضیه جالب توجه کردند؛ اولاً، همان‌طور که درجه آزادسازی تجاری افزایش می‌یابد، کشش درآمدی تقاضای واردات افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، با کاهش کنترل‌ها به‌طور خودکار کشش‌های درآمدی افزایش خواهد یافت. ثانیاً، در فرایند تعدیل و توسعه اقتصادی، کشش قیمتی تقاضای واردات به‌عنوان معیاری برای جانشینی تولید داخلی با واردات، افزایش خواهد یافت و یا به عبارت دیگر، این جانشینی آسان‌تر خواهد شد. در مطالعه حاضر علاوه بر رویکرد ملو و وگت (۱۹۸۴)، برای بررسی اثر آزادسازی تجاری بر واردات و همچنین، از متغیر عوارض وارداتی و متغیر دامی که به مدل تقاضای واردات سنتی تعمیم داده شده، بررسی می‌شود. لذا با استفاده از تصریح پویای تابع رشد واردات، (مدل (۳))، می‌توان مدل تعمیم یافته آن را به صورت زیر ارائه نمود:

$$m_{it} = \alpha_i + \beta_1 p m_{it} + \beta_2 y_{it} + \beta_3 m_{it-1} + \beta_4 d_{it} + \beta_5 lib_{it} + \varepsilon_t \quad (4)$$

که در آن، α_i اثر مشخصه‌های کشوری^۲ برای زمانی که از داده‌های پانل استفاده می‌کنیم، تفسیر می‌گردند. d_{it} عوارض وارداتی و lib_{it} متغیر مجازی برای سالهایی که در آن آزادسازی تجاری رخ داده، برابر یک است.

۱. در این رابطه Melo & Vogt (1984) مطالعه‌ای را برای کشور ونزوئلا بررسی کردند.

انتظارات نظری حاکی از آن است که $\beta_5 < 0$ ، $\beta_6 > 0$ ، $\beta_7 > 0$ ، $\beta_8 < 0$ و $\beta_9 > 0$ همان طوری که ملو و گت (۱۹۸۴) اشاره می‌کنند، آزادسازی تجاری می‌تواند کششهای قیمتی و درآمدی را تحت تأثیر قرار دهد. یک چنین اثرات تعاملی را می‌توان به وسیله حاصل ضرب متغیر مجازی آزادسازی تجاری در متغیرهای قیمت و درآمد تبیین نمود. این امر اثرات مشترک حذف انحرافات واردات روی کششهای درآمدی و قیمتی را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین، می‌توان مدل را به صورت زیر باز نویسی نمود:

$$m_{it} = \alpha_i + \beta_1 p_{mit} + \beta_2 y_{it} + \beta_3 m_{it-1} + \beta_4 d_{it} + \beta_5 lib_{it} + \beta_6 (p_m \times lib)_{it} + \beta_7 (y \times lib)_{it} + \beta_8 (d \times lib)_{it} + \varepsilon_t \quad (5)$$

۳-۲. معرفی متغیرهای الگو و منابع آماری

داده‌های مورد نیاز جهت تخمین مدل به صورت سالانه از سال ۱۹۷۱-۲۰۰۱ برای ۲۳ کشور در حال توسعه منتخب به شرح زیر است:

- رشد واردات (**m**): رشد واردات کالاها و خدمات، رشد سالانه به دلار ثابت ۱۹۹۵ (WDI(2003).
- رشد درآمد (**y**): تولید ناخالص داخلی (GDP) به دلار ثابت (۱۹۹۵) (WDI(2003).
- عوارض وارداتی (**d**): شامل تمام سطوح عوارض و مالیات بر روی کالاها در نقطه ورود به کشور است (WDI(2003).

- نرخ مؤثر واقعی ارز (**p_m**): برابر است با نسبت قیمت‌های وارداتی $\left(\frac{P_f \cdot EE}{P_d}\right)$ به طوری که P_f

قیمت‌های خارجی، قیمت‌های داخلی و $EE = \sum \beta_{jt} \cdot E_{jt}$ به طوری که E_{jt} نرخ ارز اسمی و β_{jt} سهم ارزش کالاهای وارد شده به ارزش کل واردات است و P_d قیمت‌های داخلی است. داده‌های REER برای کشورهای کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، هند، اندونزی، مالزی، مکزیک، پاکستان، فیلیپین، سریلانکا، تایلند و تونس از مطالعه بهمنی و اسکویی (۲۰۰۰)^۱ استفاده شده است و برای مابقی کشورها از IFS(2002) کمک گرفته شده است. داده‌های REER برای اقتصاد ایران بر اساس شرکای عمده تجاری و وزنه‌های اتخاذ شده آن از بانک جهانی بر اساس شاخص CPI، محاسبه شده است. در الگوی برآوردی نرخ رشد این متغیر تصریح شده است.

۳-۳. تخمین و تجزیه و تحلیل

قبل از ورود به بحث تخمین و تجزیه و تحلیل مدل، لازم است در ابتدا این مسئله که چرا مطالعه حاضر به صورت پانل مورد مطالعه قرار می‌گیرد، روشن گردد. به عبارت دیگر، آیا کشورهای مورد بررسی همگن

1. Bahmani-Oskoe&Mirzai (2000)

هستند یا خیر؟ در صورتی که کشورها همگن باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات معمولی استفاده کرده و در غیر این صورت، ضرورت استفاده از روش پانل ایجاب می‌گردد. به عبارت دیگر، از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$Y_i = Z_i \delta + U_i \quad \text{مدل مقید} \quad (۶)$$

$$Y_i = Z_i \delta_i + U_i \quad \text{مدل غیر مقید} \quad (۷) \quad i = 1, 2, \dots, n$$

آماره آزمون جهت آزمون فرضیه به صورت زیر است:

$$F = \frac{(RSS_R - RSS_{UR}) / (N - 1)}{(1 - R_{UR}) / (NT - N - K)} \quad (۸)$$

که در آن، N تعداد کشورها، K تعداد متغیرهای توضیحی، T تعداد مشاهدات در طول زمان است. آماره آزمون F برای معادلات (۶) و (۷) عبارت خواهد بود از:

$$F = ۲/۱۱$$

با مقایسه F محاسباتی فوق با $۱/۵۲$ (۳۸۶ و ۲۲ و ۰/۰۵) جدول F مشاهده می‌شود که فرضیه صفر رد می‌گردد و فرضیه مقابل آن مبتنی بر لزوم بررسی مطالعه حاضر به صورت پانل مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر این اساس، مطالعه حاضر به صورت پانل بررسی می‌شود.

توابع رشد واردات که در معادلات (۴) و (۵) معرفی شده است، امکان بررسی اثرات انحرافات سیاست وارداتی و آزادسازی تجاری بر عملکرد واردات را در قالب دو نوع رویکرد، فراهم می‌سازد. اولاً، روش مدل پویای داده‌های تابلویی که در آن تخمین زننده، روش اثرات ثابت^۱ مبتنی بر متغیرهای مجازی (که تنها مشخصه‌های کشوری را که در طول زمان ثابت هستند) استفاده می‌کند. ثانیاً، به‌کارگیری مدل‌های پویایی داده‌های تابلویی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته^۲ (GMM)^۳ در این مطالعه از الگوی اثرات ثابت استفاده شده است. در یک رگرسیون پویای معمولی، برآوردگر حاصل از T مشاهده هر چند نارایب نیست، اما سازگار محسوب می‌شود. ارایب نمونه‌های کوچک نیز دارای رتبه^۱ $\frac{1}{T}$ است. در

الگوهای پویایی ساده، نتایج نمونه‌های بزرگ با گرایش T به سمت بی‌نهایت حاصل می‌گردد، اما در الگوی پویای پانل، نتایج مجانبی با گرایش n (تعداد واحدها) به سمت بی‌نهایت به دست می‌آید. در رویکرد متغیر ابزاری، مانند روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) از محدودیت گشتاوری خطی برای حصول به تخمینهای سازگار استفاده می‌گردد. بدین ترتیب، دیگر به فرض برون‌زای اکید ابزارها برای شناسایی نیازی نیست. با در نظر گرفتن برخی مفروضات اضافی شامل عدم همبستگی جمله خطا با

1. fixed effect.
2. Arellano(1993) and Arellano and Bond(1998)
3. generalised methods of moments

متغیرهای توضیحی و همچنین، عدم وجود خود همبستگی در خطاها، بردار ضرایب را می‌توان با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته که یک برآوردگر متغیر ابزاری است، برآورد کرد. در هنگام تخمین، مجموعه ابزارهایی که در تخمین معادلات رشد واردات (۴) و (۵) مورد استفاده قرار خواهند گرفت، شامل: وقفه‌های اول متغیرهای قیمت‌های نسبی، تولید ناخالص داخلی و تعرفه است.

نتایج ناشی از دو گروه تخمین زنده با اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در جدول (۴) نشان داده شده است. نتایج اثرات ثابت در ستون (۱) بیانگر آن است که تمامی ضرایب در تابع رشد واردات دارای علامت مورد انتظار و سازگار با انتظارات نظری است. ضریب متغیر وابسته با وقفه به اندازه‌ای کوچک بوده که تفاوت اندکی میان کشش‌های قیمتی و درآمدی در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشاهده می‌گردد. ضریب متغیر تعرفه وارداتی (-۰/۰۳) و متغیر مجازی آزادسازی تجاری (۵/۷۲) معنی‌دار بوده و حاکی از آن است که با کاهش تعرفه وارداتی به میزان یک درصد به‌طور متوسط ۰/۰۳ درصد رشد واردات افزایش می‌یابد و همچنین با وقوع آزادسازی تجاری به‌طور کامل (میزان ۱۰۰ درصد) بیش از ۵۰۰ درصد رشد واردات افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، کاهش تعرفه‌های وارداتی و همچنین اصلاحات در رژیم سیاست تجاری تأثیر شدیدی بر عملکرد تقاضای واردات دارد. به‌منظور ارزیابی اثر مستقیم و آنی تعرفه بر رشد واردات، کشش‌های نقطه‌ای عوارض وارداتی با ضرایب رگرسیون برآوردی، محاسبه شده است (جدول (۵)). کشش تخمینی برابر ۱/۱- است و به این معنی است که به‌طور آنی با کاهش یک درصدی تعرفه وارداتی به میزان یک درصد به‌طور متوسط و آنی، رشد واردات افزایش می‌یابد. اثر آزادسازی تجاری بر رشد واردات در این حالت از ۵/۷۲ درصد به ۱/۰۷ درصد، در کشش نقطه‌ای، کاهش یافته است. به این معنی است که با وقوع آزادسازی تجاری کامل (میزان ۱۰۰ درصد) به میزان ۱۰۰ درصد به‌طور متوسط رشد واردات افزایش می‌یابد. ستون دوم جدول (۵) امکان آزمون فرضیه ملو و وگت (۱۹۸۴) را فراهم می‌سازد. کشش‌های کوتاه‌مدت درآمدی و قیمتی هر دو مطابق با انتظار نظری و از لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. همچنین این موضوع، برای ضرایب عوارض وارداتی و متغیر مجازی آزادسازی تجاری نیز صادق است. ضریب عوارض وارداتی برابر ۰/۰۱- بوده و ضریب انتقال متغیر مجازی ۱/۸۹ و بیانگر آن است که واکنش واردات نسبت به آزادسازی تجاری از شدت بالا و معنی‌داری برخوردار است.

جدول ۴- عملکرد واردات در کشورهای در حال توسعه منتخب

متغیر وابسته: رشد واردات m_t				
GMM		Fixed effects		متغیرهای توضیحی
(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۰۱	p_m
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	
-۰/۸۶	۱/۰۶	۱/۷۱	۱/۶۳	y
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	
-۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۴	d
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰۴)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	
۱۰/۹۳	۲/۷۲	۱/۸۹	۵/۷۲	lib
(۰/۰۰۵)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	
-۰/۱۷	-۰/۱۵	-۰/۰۶	-۰/۰۵	m_{t-1}
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	
-۰/۱۳		-۰/۱۶		$y \times lib$
(۰/۰۱۴)		(۰/۰۰۰)		
-۰/۰۹		-۰/۰۱		$p_m \times lib$
(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		
-۰/۰۰۲		-۰/۰۱		$d \times lib$
(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		
۱/۰۴	۱/۲۵	۱/۸۲	۱/۷۱	y_{LR}
-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۱	pm_{LR}
		۰/۳۰	۰/۳۰	ضریب تعیین R^2
		۱۳/۵۸	۱۳/۵۳	خطای استاندارد رگرسیون
		۲/۳۱	۲/۲۵	آماره دوربین - واتسن
(۰/۰۰۰)		(۰/۰۰۰)		حذف متغیرهای
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	حاصلضربی
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	آزمون والد
۴۶۶	۴۶۶	۳۶۹	۳۶۹	تعداد مشاهدات

* اعداد داخل پرانتز P-Value است. همچنین تمامی آزمونها در سطح اهمیت ۵ درصد معنی دار است به (جز یک متغیر). جهت آزمون حذف متغیرهای حاصلضرب از آماره F و از آزمون والد جهت معنی داری همزمان رگرسورها استفاده شده است.

جدول ۵- کششهای عوارض واردات و اثرات نسبی آزادسازی تجاری

روش تخمین	عوارض وارداتی (μd)	آزادسازی تجاری (%Lib)
اثرات ثابت:		
معادله (۴)	-۱/۱۱	۱/۰۷
معادله (۵)	-۱/۱۳	۳/۵۳
روش GMM:		
معادله (۴)	-۲/۰۹	۵/۰۹
معادله (۵)	-۲/۱۰	۲/۰۴

۱- کشش عوارض وارداتی به صورت $(\bar{d}/\bar{m})\beta_1 = (\bar{d}/\bar{m})\mu_d = (\bar{d}/\bar{m})(\partial m/\partial d)$ محاسبه شده است. به طوری که \bar{d} و \bar{m} به ترتیب میانگینهای عوارضهای وارداتی و رشد واردات هستند.

۲- اثر متناسب آزادسازی تجاری به صورت $\beta_2 / \bar{m}_{lib=0} = \beta_2 / 0 \cdot Lib$ محاسبه شده است. به طوری که β_2 ضریب آزادسازی تجاری و $\bar{m}_{lib=0}$ میانگین رشد واردات قبل از آزادسازی است.

با عنایت به اثرات مستقیم تعرفه‌ها بر رشد واردات کشش نقطه‌ای عوارض وارداتی برابر ۱/۱۳- محاسبه شده است. علاوه بر این، اثرات نسبی آزادسازی تجاری بر رشد واردات (۳/۵۳) بیانگر آن است که اصلاحات تجاری، رشد واردات را بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داده است (رجوع کنید به جدول ۵). با توجه به ضریب متغیرهای مجازی، فرضیه ملو و وگت (۱۹۸۴) مورد تأیید قرار می‌گیرد. زیرا، آزمون معنی‌داری هر سه ضریب حاکی از تفاوت معنی‌دار آنها از صفر بوده که با استفاده از آزمون F فرضیه صفر در تمامی سطوح معنی‌داری رد می‌گردد^۱.

اکنون به تجزیه و تحلیل برآوردهای روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)، که نتایج آن در ستونهای سوم و چهارم جدول (۴) ارائه شده، می‌پردازیم. کششهای درآمدی و قیمتی همانند نتایج روش اثرات ثابت، از معنی‌داری بالایی برخوردار است. در اینجا تمایل بیشتر بر روی نتایج معیارهای عوارض وارداتی و آزادسازی تجاری متمرکز است. همان‌گونه که از ستون سوم مشاهده می‌گردد، تعرفه‌های وارداتی دارای اثر منفی بر واردات بوده و ضریب برآوردی آن برابر ۰/۰۳- است و به این معنی است که با کاهش یک درصدی تعرفه‌ها به طور متوسط رشد واردات ۰/۰۳ درصد افزایش می‌یابد. کشش نقطه‌ای و آبی اثر تعرفه‌ها بر واردات برابر ۲/۰۹- برآورد شده است. اثر مستقل آزادسازی تجاری، که با ضریب متغیر مجازی (۲/۷۲) نشان داده شده است، از لحاظ آماری معنی‌دار است (ستون سوم جدول (۴)). به عبارت دیگر، اجرای سیاستهای آزادسازی واردات، رشد واردات را حدود ۲۰ درصد

۱. به لحاظ تلخیص مطلب از ارائه آزمون خودداری شده و تنها به نتیجه آن اکتفا شده است.

افزایش خواهد داد. کششهای نقطه‌ای و اثر آنی این متغیر ۵/۰۹ درصد ارزیابی شده است (جدول (۵)). ستون چهارم جدول (۴) نتایج روش GMM را بر اساس اثرات تعاملی آزادسازی تجاری و کششهای درآمدی و قیمتی (همان‌طور که فرضیه ملو و وگت (۱۹۸۴) اشاره می‌کند)، نشان می‌دهد. با توجه به ضریب عوارض وارداتی (۰/۰۲-)، مشاهده می‌گردد که این ضریب از لحاظ آماری معنی‌دار و از مقدار کمتری در مقایسه با ضریب متناظر آن در ستون سوم (۰/۰۳-) برخوردار است. همچنین، کشش عوارض وارداتی برآوردی (۲/۱۰-)، اثر منفی شدیدی را که تعرفه‌ها بر رشد واردات تحمیل می‌کند، مورد تأیید قرار می‌دهد. ضریب آزادسازی تجاری برابر ۱۰/۹۳ است و اثر نسبی آزادسازی تجاری بر واردات ۲/۰۴ برآورد شده است، که بیانگر آن است که موانع سیاست تجاری کمتر به افزایش بیش از ۲۰۰ درصدی رشد واردات می‌انجامد^۱.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقاله حاضر در قالب روش پویا، توابع رشد واردات را برای گروهی از کشورهای در حال توسعه منتخب بررسی می‌کند. علاوه بر این، به سیاستهای عمده تجاری در ۲۳ کشور مورد مطالعه در طی دوره زمانی (۱۹۷۱-۲۰۰۱) مبتنی بر روش پویای داده‌های پانل که یکی از مهمترین جنبه‌های نوآوری این مطالعه در ادبیات رشد واردات و آزادسازی تجاری محسوب می‌گردد، پرداخته شده است. در طول دوره مورد بررسی ملاحظه می‌گردد، کششهای درآمدی و قیمتی تقاضا درون یک فاصله‌ای از کششهایی که در مطالعات قبلی مشاهده شده، کاهش یافته است. کششهای بلندمدت قیمتی و درآمدی، دارای علامت مورد انتظار و به‌طور کلی، از لحاظ آماری معنی‌دار است. به هر حال هدف اصلی این مطالعه، تعمیم توابع رشد واردات بر اساس معیارهای مرتبط تجارت در کشورهای در حال توسعه است و آنرا در قالب روش GMM در داده‌های پانل تجزیه و تحلیل می‌کند. یکی از شاخصهای مورد استفاده جهت ارزیابی تأثیر انحرافات سیاست تجاری بر رشد واردات، سطح عوارض وارداتی است. نتایج برآوردی حاکی از آن است که عوارض وارداتی به کاهش رشد واردات منجر می‌گردد. همان‌طوری‌که اشاره شد، تمامی کشورهای مورد بررسی جهت پایه‌ریزی فرایند آزادسازی به کاهش و ساده‌سازی تعرفه‌های وارداتی و همچنین، حذف محدودیتهای غیر مقداری اقدام نمودند. نتایج، شواهد امیدوار کننده‌ای مبنی بر تأیید این فرضیه که حذف انحرافات تجاری اثر مثبت و شدیدی بر رشد واردات دارد، نشان می‌دهد. به‌خصوص آزادسازی تجاری، رشد واردات را به‌طور متوسط بیشتر از ۱۰۰ درصد در طول تمامی کشورها افزایش می‌دهد. همچنین، فرضیه ملو و وگت (۱۹۸۴) آزمون شد. این فرضیه بیانگر آن است که با آزادسازی واردات کششهای درآمدی افزایش می‌یابد، که این فرضیه در این مطالعه تأیید شد. افزایش کششهای درآمدی پس از آزادسازی، افزایش در درجه باز بودن تجارت خارجی کشورهای مورد بررسی

۱. این نتایج از شواهد تجربی پیرامون تعادل تجارت و تراز پرداختها پیروی می‌نماید.

را نشان می‌دهد. همچنین، فرضیه افزایش کششهای قیمتی به‌عنوان نتیجه‌ای از اصلاح واردات مورد تأیید قرار گرفت. لذا بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌گردد که:

- جهت رقابتی کردن محصولات داخلی با کالاهای وارداتی، بر منابع بهره‌وری تولید داخلی، تأکید بیشتری گردد.
- باید پذیرفت که آزادسازی تجاری و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای باعث از رده خارج شدن بسیاری از صنایع سنتی و همچنین صنایعی که سالها در کشور فعالیت کرده‌اند، می‌شود. لیکن، در عین حال آزادسازی تجاری باعث پیدایش و ایجاد فرصتهای نو در جهت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌داران داخلی و خارجی می‌شود. این فرصتها با سرمایه، تکنولوژی و بازارهای خارجی همراه خواهد بود که منجر به ایجاد صنایعی نیرومند و کارآ خواهد شد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که این سرمایه‌گذارها بر پایه مزیت‌های نسبی و رقابتی تولیدات داخلی کشور صورت پذیرد تا زمینه رقابت‌پذیری محصولات داخلی با خارجی فراهم گردد.

منابع

- ابریشمی، حمید. (۱۳۸۰). تقاضای واردات در ایران با رویکردی نوین. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۰.
- خیابانی، ناصر. (۱۳۷۸). تعیین رژیمهای وارداتی در اقتصاد ایران؛ یک تحلیل تجربی براساس مدل‌های عدم تعادل و رگرسیونهای سوئیچی. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۱۲.
- رازینی، ابراهیم‌علی. (۱۳۷۸). *روشهای منطقی کردن تعرفه‌ها در اقتصاد ایران*. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- Arize, A.C and Shwiff, S.S. (1998). Does Exchange –Rate Volatility Import Flows in G-7 Countries? Evidence from Cointegration Models. *Applied Economics*, No. 30, PP.1269-1276.
- Arellano, Manuel.(1993). On Testing of Correlation Effects with Panel Data. *Journal of Econometrics*, No. 59, Vol. 1, September, PP.87-97.
- Arellano, Manuel and Stephen Bond. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, No.58, PP. 277-297.
- Bahmani – Oskooee, M. and Farhang, N.(1998). Long Run Price Elasticities and the Marshall-Lerner Condition Revisited. *Economics Letter*, No.61, PP.101-109
- Bahmani – Oskooee, M. and Mirzai,A.(2000). Real and Nominal Effective Exchange Rates for Developing Countries:1973:1-1997:3, *Applied Economics*, No.32, PP. 411-428
- Baltagi, B.H. (1995). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons Ltd, Baffins Lane, Chichester, West Sussex PO19 IUD, England.
- Dean, J. M.et al. (1994). Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985: a Review of the Evidence. *World Bank Discussion Papers*, P.267.
- Dornbush. R. (1992). The Case for Trade Liberalization in Developing Countries. *Journal Economics Perspectives*, Vol. 6, No. 1, Winter, PP. 69-85.
- Dutta, D. and Ahmed, N. (2001). An Aggregate Import Demand Function for India: A Cointegration Analysis. *Working Paper*, The University of Sydney.
- Edwards, S. (1992). Trade Orientation, Distortions and Growth in Developing Countries. *Journal of Development Economics*, No.39, July, PP. 31-57.

- Edwards, S. (1993). Openness Trade Liberalization and Growth in Distortions and Growth in Developing Countries. *Journal of Development Economics Literature*, No. 31, PP.1358-93.
- Goldstein, M. and Mohsien, K. (1985). Income and Price Effects in Foreign Trade. in *Handbook of International Economics*, Vol II, P.B.Kenen and R.W.Jones(eds), New York: Elsevier, PP.1041-1105.
- Greene, W. (1997). *Econometric Analysis*. Third Edition, Upper Saddle River, London, Prentice, Hall.
- Krueger, Anne O. (1988). Why Trade Liberalization is Good for Growth. *Economic Journal*, No. 108, Vol. 450, September, PP. 1513-1522.
- Mah, Jai S. (1997). Cyclical Factors in Import Demand. *Journal of Policy Modelling*, No.19, PP. 323-331.
- Mah, Jai S. (1999). Import Demand, Liberalization and Economic Development. *Journal of Policy Modeling*, No. 21, Vol. 4, PP.497-503.
- Melo, O. and Vogt, M.G. (1984). Determinants of the Demand for Imports of Venezuela. *Journal of Development Economics*, No.14, PP. 351-358.
- Santos – Paulino, A.U. (2002). The Effects of Trade Liberalization on Imports in Selected Developing Countries. *World Development*, Vol. 30, No. 6, PP. 959-974.
- Sinha, D. (1977). Determinants of Import Demand in Thailand. *International Economic Journal*, Vol. 11, No. 4, PP. 73-83.
- Thirlwall, Anthony P. (2000). Trade Agreements, Trade Liberalization and Economic Growth: a Selective Survey. *African Development Review*, December. Vol. 12.
- World Bank. (2002, 2003). *World Development Indicators*, CD.
- Yousuf Hasan, J.M et al. (2002). Demand for imports in the GCC Countries, *Working Paper 9901*, Kuwait University Research Administration.